روزنامه شرق

ولادت باسعادت امام رضا(ع) بر مسلمین مبارک باد

یکشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۰ • ۱۱ ذی‌القعده ۱۴۳۲ • ۹ اکتبر ۲۰۱۱ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۳۶۳ • شماره ۴۳۹ دوره جدید • ۲۰صفحه • ۶۰۰ تومان

کوشکین آهنگساز روس درگفت‌وگو با «شرق»:

چالشی با مخاطبانم ندارم

گروه موسیقی: نام نیکیتا کوشکین برای علاقه‌مندان گیتار کلاسیک در سراسر جهان نامی آشناست. او هنرآموخته موسیقی در آکادمی ملی موسیقی روسیه است و از اوایل دهه ۸۰ با اجرای کنسرت‌هایی در سراسر جهان به شهرت رسید. کوشکین از نادر آهنگسازانی است که به دلیل...

صفحه ۹

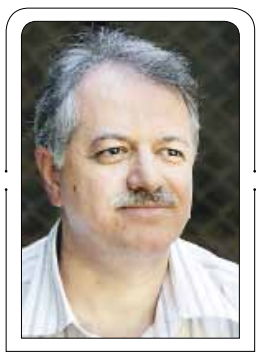

احمد شیرزاد به «شرق» اعلام کرد

نزدیکی متقابل تفکرات طیفی از اصلاح‌طلبان و هاشمی

گروه سیاسی: احمد شیرزاد معتقد است بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان در گذشته اختلافاتی با آقای هاشمی داشتند، اما به هرحال زمان گذشت و به مرور تفکرات آنها به هم نزدیک شد؛ همه نسبت به گذشته خود تغییر می‌کنند، برخی رشد می‌کنند و برخی هم عقب می‌روند...

صفحه ۳

انتقاد علی لاریجانی:

دوم خردادی‌ها با «عالیجناب سرخپوش» چطور رفیق شدند

■ برخی با در پیش گرفتن ناصح‌الملوکی دیگران را نصیحت می‌کنند

گروه سیاسی، نفیسه زارع‌کهن: یکی، دو سالی است که هرچه هاشمی‌رفسنجانی می‌گوید به مذاق اصولگرایان نمی‌نشیند. گویی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام هرچه بگوید قرار است واکنشی در پی داشته باشد و امکان آن نیست که حرفی از او بی‌پاسخ و واکنش بماند. اما در این میان نزدیکی برخی مواضع او با اصلاح‌طلبان و همراهی‌اش با برخی نظرات آنان به مذاق رقبا خوش نیامد. چنانکه سخنان دو روز پیش هاشمی‌رفسنجانی در دیدار جمعی از جوانان فعال سیاسی، فرهنگی و اجتماعی استان کرمان، واکنش علی لاریجانی، رییس مجلس را برانگیخت. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به در پیش بودن انتخابات مجلس نهم گفته بود: «می‌توان با فراهم کردن شرایط مدنظر فعالان سیاسی دلسوز نظام و گسترش آگاهی‌بخشی و نقد منصفانه، فضای مناسبی برای مردم و گروه‌ها برای حضور در انتخابات فراهم کرد.» به این ترتیب رییس سابق مجلس خبرگان بار دیگر بر شروط اصلاح‌طلبان و آنچه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات مبنی بر ملزومات شرکت در انتخابات مطرح کرده بود، تاکید کرد.

چنین بود، که علی لاریجانی به صورتی مستقیم و غیرمستقیم از نزدیک شدن مواضع هاشمی و اصلاح‌طلبان به یکدیگر اظهار نارضایتی کرد و در دومین همایش فرهنگ‌یاران ترافیک در حالی که می‌خواست از مضرات تخریب چهره‌ها بگوید، بحث دوم خردادی‌ها را پیش کشید و گفت: در دوره‌ای آنها یک مرتبه با درست کردن عالیجناب سرخپوش به تخریب پرداختند، پس چطور، است اگر آن موقع، آن شخص عالیجناب سرخپوش بود، اکنون با او رفیق هستند!

ادامه در صفحه ۲

اعتراض هنری-خیابانی به قطع درختان در کرمان

عکس: حمید صادقی، شرق

وحید قرایی، کرمان: شهروندان کرمانی که صبح جمعه گذرشان به خیابان بحرالعلوم این شهر افتاد با صحنه جالب توجهی مواجه شدند که آنها را دقایقی متحیر نگه داشت. تعداد زیادی تنه درختان قطع شده به صورتی منظم در بخشی از مسیر این خیابان چیده شده بود و این درختان مثله شده به نوعی عمق فاجعه قطع درختان را در شهر کرمان نشان می‌داد. یک هنرمند طرفدار محیط‌زیست پایه‌گذار این ابتکار بود. کریم‌الله‌خانی نقاش و گرافیست نیشابوری مقیم کرمان در مورد این اقدامش گفت: در فعالیت‌های هنری‌ای که انجام می‌دهم برای محیط‌زیست و طبیعت اهمیت ویژه‌ای قایلم و روند مستمر قطع درختان در کرمان من را به بهره‌گیری از هنر مفهومی برای فرهنگسازی در زمینه جلوگیری از قطع درختان ترغیب کرد. وی افزود: برای من هم مانند بسیاری از مردم کرمان قطع درختان آزاردهنده است و این توجیه که درختان به دلیل آفت قطع می‌شوند را نمی‌پذیرم چراکه می‌توان با تمهیداتی از گسترش آفات درختان جلوگیری کرد. الله‌خانی تاکید کرد: کارم بیش از جنبه اعتراضی به فرهنگسازی برای حفظ درختان توجه دارد. وی در ادامه گفت: این برنامه به‌عنوان یک کار هنری نمادین قرار بود در کویر شهداد نیز برگزار شود که به دلیل جمع‌آوری تنه‌های درخت مورد استفاده در این برنامه توسط شهرداری کرمان این برنامه به تعویق افتاد. از سوی دیگر، شهردار کرمان در مورد علت قطع درختان از جمله تعداد زیادی نارون در سطح شهر گفته است: این درختان به دلیل آفت‌زدگی و احتمال آلوده شدن سایر درختان، قطع شده‌اند. ابوالقاسم سیف‌الهی افزود: آفت سوسک چوب‌خوار نارون از سال‌ها قبل به همراه مقادیری چوب وارد استان و نیز شهر کرمان شده و موجب آفت‌زدگی درختان شده است. زمانی آفت‌زدگی این درخت‌ها مشخص می‌شود که خاک اره‌های ایجاد شده از سوراخ‌های درخت‌ها بیرون می‌زند که در این زمان، آفت خسارت را به درخت وارد کرده و حتی بخش‌هایی از درخت را نیز خشک کرده است. سیف‌الهی خاطرنشان کرد: با تمامی تدابیر اندیشیده شده اما تعدادی درخت در کرمان به این آفت دچار شده‌اند و در صورتی که این درختان قطع و سوزانده نشوند، آفت در بین سایر درختان نیز شیوع می‌یابد. همچنین به دلیل آفت‌زدگی این درختان، امکان شکسته شدن آنها و بروز خسارت‌های جانی و مالی برای شهروندان نیز وجود دارد. وی درباره لزوم سم‌پاشی درختان نیز گفته است: در انجام سم‌پاشی در شهر باید دز سم در حد منطقی باشد تا برای سلامت شهروندان مشکلی ایجاد نکند و درباره مقابله با آفت سوسک چوب‌خوار نارون، چون آفت در درون تنه درخت است، سم‌پاشی پاسخگو نیست. شهردار کرمان در ادامه تاکید کرده است: شهرداری به عنوان متولی فضای سبز شهری کمتر از شهروندان برای فضای سبز دلسوزی نمی‌کند و همواره بر جلوگیری از قطع درختان تاکید می‌کند. همچنین اگر برای اجرای طرح عمرانی نیاز به قطع درختی باشد و امکان جا به جایی آن وجود نداشته باشد، به جای آن صد اصله درخت کاشته می‌شود.

نکته

در فعالیت‌های هنری‌ای که انجام می‌دهم برای محیط‌زیست و طبیعت اهمیت ویژه‌ای قایلم و روند مستمر قطع درختان در کرمان من را به بهره‌گیری از هنر مفهومی برای فرهنگسازی در زمینه جلوگیری از قطع درختان ترغیب کرد

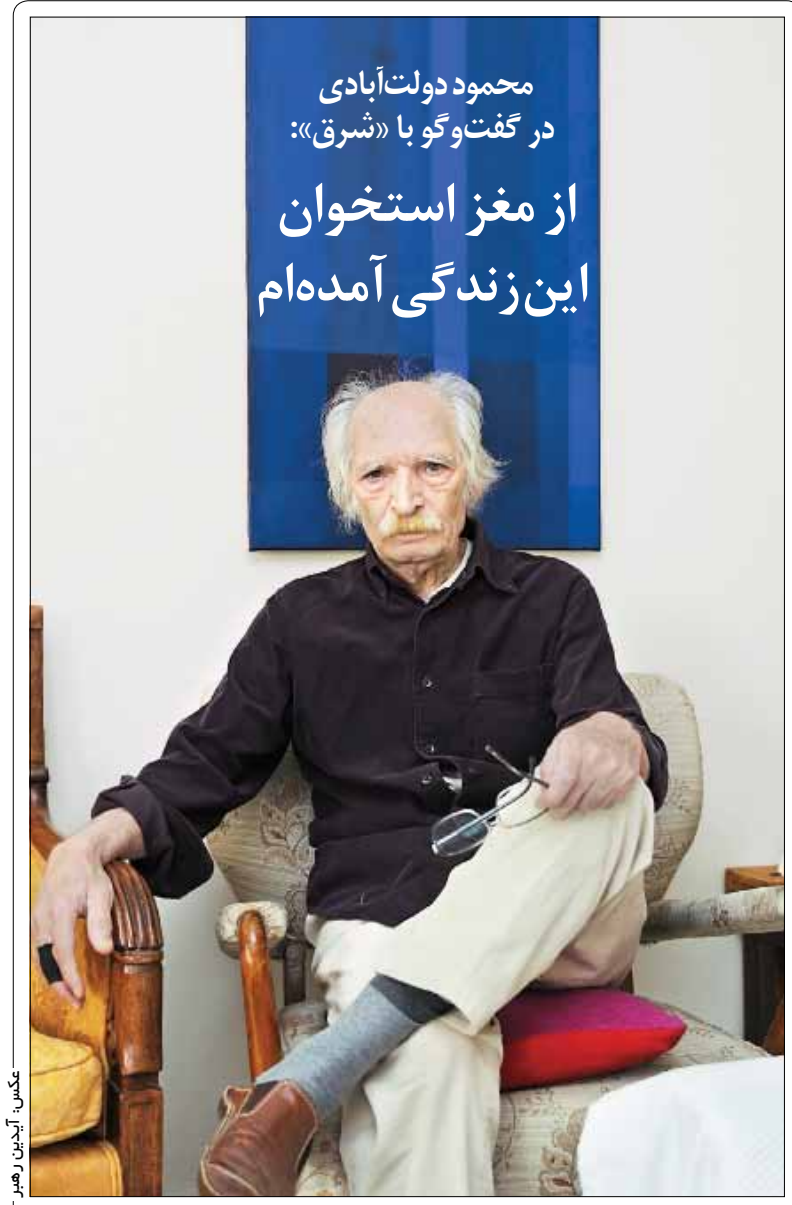

عکس: آیدین رهبر

محمود دولت‌آبادی در گفت‌وگو با «شرق»:

از مغز استخوان این زندگی آمده‌ام

گروه ادبیات، شیما بهره‌مند- علی شروقی: چندین سال از ارایه دو رمان «کلنل» و «طریق بسمل شدن» محمود دولت‌آبادی به وزارت ارشاد برای دریافت مجوز می‌گذرد و این دو رمان همچنان بلاتکلیف مانده‌اند، گرچه این بلاتکلیف ماندن، نویسنده «کلیدر» را از ادبیات بازنداشته است. دولت‌آبادی گرچه ممیزی را «امری غیرلازم» می‌داند و با آن مخالف است، در عین حال معتقد است ممیزی نباید به بهانه‌ای برای کم‌کاری نویسندگان بدل شود. خود او هیچ وقت ممیزی را بهانه تعطیلی نوشتن نکرده است، چنانچه «کلنل» را در دهه ۶۰ بی‌اینکه بخواهد منتشرش کند و تنها برای ورود به رمان «روزگار سپری‌شده مردم سالخورده» نوشته است. درباره نویسندگانی که نداشتن شغل را عامل اصلی ناتوانی در نوشتن می‌دانند، می‌گوید: «ای کاش این بچه‌ها از اول که وارد چنین عرصه‌ای شدند، می‌دانستند که اینجا، در مملکت ما شرایط به چه شکلی است. اما به هر حال لابد این مسایل آنقدر برایشان مهم است که مطرح می‌کنند و از نظر من حرفشان درست است و حق دارند ولی خوب بود از اول فکرش را می‌کردند.» گرچه در تمام این سال‌ها کار اصلی‌اش ادبیات و نوشتن بوده و پرداختن به دیگر عرصه‌ها را حاشیه‌هایی می‌داند که نباید برای نویسنده تمام وقت به اصل بدل شود، اما از آن دست نویسندگانی هم نیست که کنج خانه و پشت ادبیات مخفی شود. دولت‌آبادی نویسنده‌ای مربی است؛ نویسنده‌ای که در عرصه‌های عمومی‌تر هنر و ادبیات نیز کم و بیش حضور داشته و دارد و گواهش حضور اخیر او در جشن خانه سینماست. گرچه درباره این حضور می‌گوید: «این بار که به جشن خانه سینما رفتم به احترام زحمت آقای اصغر فرهادی و فیلم او رفتم و بعد متوجه شدم نوع برخورد مجموعه‌ای که آنجا را اداره می‌کنند تفاوت می‌کرد با لحظاتی که از من دعوت کرده بود و خیلی از این بابت متاسفم.» دولت‌آبادی حضورهایی از این دست خود را در عرصه‌های عمومی، از جنس مداخله روشنفکرانه در وضعیت پیرامون نمی‌داند. تعریف او از روشنفکر بودن، تعریفی است متفاوت با حضور و اظهارنظر و مخالفت یا موافقت نویسنده در مواجهه با مسایل گوناگون جامعه. به صراحت می‌گوید که روشنفکر نیست و نمی‌خواهد با خودش تعارف کند. در عین بیان صریح نظرات خود درباره ادبیات، از داوری قاطع درباره دیدگاه‌هایی که با آنها موافق نیست، می‌پرهیزد. چنانچه به تکنیک‌زدگی ادبیات، پس از دورانی که او دوران فترت می‌نامدش، خوشبین نیست. همچنین به کارگاه‌های داستان‌نویسی و کارگاهی شدن ادبیات و جوایز ادبی. با این حال، اینها همه را تلاش‌هایی در زمینه ادبیات می‌داند و قایل به نفی مطلق چنین تلاش‌هایی نیست اما داوری خود را هم این‌گونه به صراحت بیان می‌کند: «در باب اینکه از همان آغاز موافق نبودم با دایر شدن کلاس‌های داستان‌نویسی و گفتم؛ چنانچه در باب جوایز چندگانه.» هرگز نخواسته به شوق اجرای تکنیک یا بر اساس تئوری داستان بنویسد گرچه از تئوری‌های ادبی و آنچه در این زمینه در صفحات ادبی مطبوعات چاپ می‌شود، بی‌اطلاع نیست. در همین گفت‌وگو به نشست ادبی‌ای که در روزنامه «شرق» درباره یک کتاب تئوری داستان‌نویسی برگزار شد، اشاره می‌کند و به طرح مباحثی در حوزه زبان‌شناسی در مطبوعات. اما وقت نوشتن به تئوری‌ها فکر نمی‌کند. همان‌طور که به توصیه‌های این و آن و نقدهای منتقدان. معتقد است سبک نگارش‌اش از دل زندگی و سلوک او بیرون آمده است؛ زندگی‌ای که در آثارش به تاریخ اجتماعی-سیاسی ایران، پیوند خورده است. در تعریف نویسنده معاصر می‌گوید: «اصولا وقتی به کسی می‌گوییم نویسنده معاصر، به اعتبار این است که او در تاریخ معاصرش زندگی کرده و آن برگرفته‌ها و تاثیرات و تاثراتی که از زندگی معاصرش داشته، به نحوی در اثرش بازتاب پیدا کرده است.» دولت‌آبادی، خود به گواه آثارش چنین نویسنده‌ای است؛ نویسنده‌ای که بستر تاریخی در نوشته‌هایش حضوری پررنگ دارد. چنانچه در همین دو کتابش که در ارشاد مانده‌اند، به مقاطعی از تاریخ معاصر ایران پرداخته است. در «طریق بسمل شدن» از جنگ نوشته است و در پاسخ به آنها که پس از سخنرانی‌اش درباره «فداکاری جوانان در جنگ دفاعی»، در جشن خانه سینما او را متهم کردند که چرا هیچ وقت از جنگ ننوشته، می‌گوید: «نوشته‌ام و سه سال است که این کتاب در ممیزی مانده و اجازه نمی‌دهند منتشر شود و اسم آن کتاب هست طریق بسمل شدن.» دولت‌آبادی این روزها منتخبی از متون ادبی کلاسیک فارسی را برای انتشار آماده کرده است؛ متونی که به گفته خودش همواره موضوع تاملاتش در زمینه زبان‌ورزی و روایت بوده‌اند.

نکته

تعریف او از روشنفکر بودن، تعریفی است متفاوت با حضور و اظهارنظر و مخالفت یا موافقت نویسنده در مواجهه با مسایل گوناگون جامعه. به صراحت می‌گوید روشنفکر نیست و نمی‌خواهد با خودش تعارف کند

گفت‌وگو را در صفحات ۱۰ و ۱۱ بخوانید.

تیترها

معاون آسیایی وزارت خارجه به ترکیه رفت

ایران میانجی آنکارا-دمشق

صفحه ۲

احمدی‌نژاد:

تمدن اسلامی در آندلس برپا نشده بود

صفحه ۲

دولت و دانشگاه آزاد فعال شدند

دو فهرست برای جانشینی جاسبی

صفحه ۱۹

روزهایی که همه مرغ‌ها تخم طلا می‌شوند

تخم‌مرغ ۹هزار تومانی از گلو پایین نمی‌رود

صفحه ۴

در صفحات

یوروپ
کارتون حسن کریم‌زاده /صفحه آخر

کودکان؛ فرصت یا تهدید
سعید مدنی /صفحه آخر

پیش‌فرض‌های نادرست
مصطفی مستور /صفحه ۱۵

«چه»؛ آخرین اسطوره
نیماراد /صفحه ۷

حرف اول

حفظ حقوق انسانی زنان

فاطمه راکعی*

قبل از هر چیز باید به این سه زن ارزشمند و تمامی زنان فعال در حقوق‌بشر کسب چنین جایزه‌ای را تبریک گفت. مساله زنان یکی از مهم‌ترین مسایل جهان امروز است و خوشبختانه زنان در اقصا نقاط جهان به پیشرفت‌های قابل توجهی دست پیدا کرده‌اند. ابتدا موج پیگیری خواسته‌های زنان از اروپا و آمریکا شروع شد که ابتدا حقوق اقتصادی زنان کارگر موضوع مورد مطالبه فعالان زنان در این کشورها بود و سپس این نهضت بیداری ادامه پیدا کرد و حقوق‌بشر، حقوق اجتماعی و سیاسی زنان مورد توجه قرار گرفت و اینک در چهار قاره جهان حرکت اصیل و انسانی از سوی فعالان امور زنان مطرح است. خوشبختانه در کشورهای آفریقایی مانند بعضی دیگر از کشورها از سال‌ها پیش توجه به حقوق زنان شروع شده و سابقه دارد. از آن طرف بسیار جای خوشبختی است که زنان مسلمان در کشورهای عربی نیز شروع به تلاش برای احقاق حقوق خود و زنان مسلمان کرده‌اند و ما زنان ایرانی فعال در حقوق زنان امیدوار هستیم که این روند همچنان ادامه پیدا کند. همان‌طور که در بیانیه کمیته نوبل نیز اشاره شده است: «اعطای این جایزه به این سه زن نشانه حمایت ما از بهار عربی، زنان و احترام به مسلمانان است...» یکی از این سه زن مسلمان است و باید از این منظر به دیدگاه اسلام در خصوص زنان نیز توجه کرد. اسلام حقوق انسانی برای زن قایل است و برای زنان تبعیض انسانی، طبقاتی، قبیله‌ای و جنسیتی وجود ندارد. اسلام از جمله ادیانی است که اصول دموکراسی در آن مطرح شده و برای زنان نه‌تنها تبعیض به معنای منفی وجود ندارد، بلکه امتیازاتی نیز قایل است که به قول بعضی‌ها تبعیض از نوع مثبت است. اسلام جایگاه ارزشی خاصی را برای زنان قایل شده و حتی در اسلام گفته شده انسان‌هایی که محترم و مکرم هستند، به زنان احترام می‌گذارند و این نشانه جایگاه والای زن است. زنان باید در عرصه‌های مختلف حضور داشته باشند اما باید به مساله خانواده و همچنین نه تبعیض جنسیتی بلکه حرمت و عدم آمیختگی بیش از حد در جامعه نیز توجه کرد. جامعه برای حفظ حریم خانواده و تعادل روحی و روان‌شناسی باید ارزش قایل باشد و آن چیزی که زنان فعال در حقوق زنان در ایران با اعتقاد دنبال می‌کنند، این نیز هست. حقوق انسانی و خانواده در تمامی ادیان مورد توجه است. حالا که یک زن مسلمان فعال در حقوق زنان موفق به کسب جایزه نوبل صلح شده است، باید ضمن تلاش جمعی برای حقوق‌بشر، اسلام واقعی را که زن در آن محترم شمرده می‌شود و در آن به زن احترام می‌گذارد و حقوق او را به رسمیت می‌شناسد، نیز به جهان معرفی کرد.

* فعال زنان

سرمقاله

علم بهتر است یا ثروت؟

اشرف بروجردی*

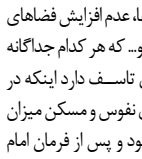

خبر کوتاه بود؛ به گفته مسوولان آموزش‌وپرورش بیش از ۱۲میلیون و ۳۰۰هزار دانش‌آموز ایرانی سال‌تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ را آغاز کردند، در حالی‌که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ کودکان و نوجوانان بین ۱۹-۵ سال کشور بیش از ۱۹میلیون و ۴۳۵هزار نفر هستند. به عبارت دیگر بیش از هفت میلیون نفر از جمعیت جوانی که باید در حال تحصیل باشند از تحصیل بازمانده‌اند. قدیم‌ها وقتی به مدرسه می‌رفتیم تقریبا در همه مقاطع تحصیلی اولین موضوعی که باید به عنوان انشا ارایه می‌دادیم، تحلیل و استدلال درخصوص این جمله بود که علم بهتر است یا ثروت؟ و طبعا انشایی پذیرفته می‌شد و نمره می‌گرفت که بگوید علم بهتر است چون با علم می‌توان به ثروت رسید اما با ثروت نمی‌توان عالم شد! نگاهی به آنچه این‌روزها در جامعه رخ می‌دهد، از جمله وضعیت معیشتی مردم، تخلفات مالی و اقتصادی که در صفحات روزنامه‌ها خودنمایی می‌کند و یک‌شبه سرمایه‌دار شدن نوکیسه‌ها، ظاهرا نشان از آن دارد که ثروت کارگشاتر از علم است! احتمالا به همین دلیل است که هیچ بازخوردی نسبت به بازمانده‌های از تحصیل را در جامعه شاهد نیستیم و مسوولان هم سکوت اختیار کرده‌اند. اینکه عوامل چنین وضعیتی چیست، قطعا جای خود دارد و باید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. از عوامل اقتصادی که خانواده‌ها قادر به پرداخت هزینه‌های تحصیلی فرزندان‌شان نیستند یا اینکه برای تامین معاش خانواده، وادار به اشتغال آنان می‌شوند تا عواملی مثل حذف حق‌التدریس‌ها و خالی‌شدن مناطق دوردست از حضور حق‌التدریس‌ها، عدم افزایش فضاهای آموزش با وجود افزایش جمعیت و... که هر کدام جداگانه جای بحث دارد اما آنچه جای تاسف دارد اینکه در ابتدای انقلاب براساس سرشماری نفوس و مسکن میزان باسوادهای کشور ۴۷/۵درصد بود و پس از فرمان امام خمینی درخصوص نهضت سوادآموزی و مساعدت عموم مردم برای محو بی‌سوادی پس از ۲۰سال که از انقلاب گذشت میزان سواد به ۹۰درصد رسید اما اینک مجددا در حال عقب‌گرد هستیم و این در حالی است که اولا براساس چشم‌انداز ۱۴۰۰ قرار است ایران قدرت علمی برتر منطقه باشد و ثانیا به عنوان یک کشور اسلامی که پیامبرش شرط آزادی هر اسیر را آموزش سواد خواندن و نوشتن به ۱۰ مسلمان بی‌سواد قرار داده بود و در بیانی فرمود که: «طَلَبُ العِلمُ فَریضَه عَلی کُلِّ مُسلِمٍ وَ مُسْلِمه»(۱) آیا حداقل به عنوان یک مسلمان نباید نسبت به این مساله حساس باشیم؟ آیا نمی‌دانیم که مهم‌ترین سرمایه هر کشور، آموزش‌وپرورش آن است که اگر سوخت شود، هستی جامعه را بر باد می‌دهد؟ جهل و بی‌سوادی؛ آفت جوامع بشری است. آیا قرارگرفتن مردم در جهل و بی‌خبری نباید مسوولان را به چاره‌اندیشی وا دارد؟ موضوع هم آنقدر روشن است که جایی برای تکذیب ندارد. باید درمانی برای این درد جست‌وجو کرد و این امر، عزمی ملی را می‌طلبد که در رأس آن مدیریت صحیح برنامه و اطلاع‌رسانی مناسب به مردم است. بهره‌گیری از صاحب‌نظران و فرهیختگانی که در این عرصه تجارب ارزنده‌ای داشته‌اند شاید کمکی برای موضوع باشد.

*عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پی‌نوشت:

۱ - فراگیری دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۷).

خبر آخر

احضار شاهزاده سعودی به اتهام تجاوز

گروه جهان: روزنامه دیلی تلگراف نوشت، شاهزاده سعودی ولید بن‌طلال برای پاسخ گفتن به اتهاماتش در اسپانیا احضار شده است. او متهم است که سه سال پیش به یک مانکن ۲۰ساله در قایقی فاخر در سواحل دریای مدیترانه تعرض کرده است. این روزنامه می‌افزاید: ممکن است قاضی تحقیق در جزیره ایبیزا، ولیدبن طلال (برادرزاده ملک‌عبدالله پادشاه عربستان) را برای بازجویی و گرفتن دی‌ان‌ای فراخواند اما ولیدبن طلال به کلی این اتهام را رد کرده و اساسا رفتن به این جزیره را منکر می‌شود.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.

۸۸۶۵۸۵۷۵
۸۸۵۲۴۹۷۴
۸۸۵۲۴۹۷۳
۸۸۷۵۲۱۵۹